

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

صامد
۲۷ اپریل ۲۰۲۵

میلاد پلشتی ها

دو روزی که تاریخ ما به خون رقم زدند
هفتم و هشتمین ز روز های ثور بُود
هفتم که هدیه ای ز "خلق" و ز "پرچم" است
هفتم که ز اندیشه "بلوک شرق" بُود
تا باند "پرچمی" ها به آستان غیر خزید
تا کار را به "دلّک" خود با ثنا سپرد
تنظیم های "هفت پشاور" و "هشت قُم"
یک سره به دامن عجم و عرب لمید
"خلقی و پرچمی" که بسی همسرشت بُود
در کار بردگی همه سبقت نموده اند
"حزب دموکراتیک" چه ظلمی روا نداشت!
طیفی ز نخبگان وطن را به دار کشید
همواره از ددی و بهیمی خوی خویش
مشهور و نامدار به گون و مکان شدند
بلوک شرق و غرب ساخت و ساز می کنند
"ننگنامه ژنو" را مسجل می کنند
"تزار روس" چو نوکر خود طرد می کند
"خلقی و پرچمی" چو ز اول یکی نبود
"خلقی" چو به دامن "حکمتیار" می خزد
زانروز که "جهادی" پی قدرت دویده بود
تا یال بدشگونش به کابل سایه کرد
از فیر راکت و ز مسلسل و از تفنگ

سرنوشت ملت و وطن را به هم زدند
میلاد هر پلشتی و از ظلم و جور بُود
هشتم زائیده ازین پیچ و از خم است
هشتم ز گروهیست که در جهل غرق بود
فرمان تجاوز ز "کرمالین" خبر رسید
تقدیر مردمی را به باد فنا سپرد
اصالت و آزادگی رزم چو کمرده گم
زاندم که لذتی ز ریال عرب چشید
"مجاهد" و "جهادی" که "اهل بهشت" بُود
در ظلم و تعدی چه سبُعیت نموده اند!
در قتل مرد و زن چو ننگ و حیاء نداشت
وز مردم بیچاره ما هم دمار کشید
خون بیگناهی بریختند ز سوی خویش
تا پیر و نوجوان به خون خفتگان شدند
طرحی دگر برای تاخت و تاز می کنند
در امر صلح و خیر بسی جعل می کنند
این نوکر بیچاره را دلسرد می کند
بر آستان "حزب" و "جمعیت" کرد سجود
"پرچم" و "پرچمی" سوی "نظار" می دود
بس کیسه ها ز بهر غنیمت خریده بود
از چور و چپاول به خودش بسی مایه کرد
کابل که گشته بود چو میدان زرم و جنگ

آتش زدند به شهر و چو سوختند چوب و سنگ
کشتند و به ناموس تجاوز بنمودند
گه میخ به سر زدند و گه سینه ها بریدند
از زایمان مادر بیچاره چه گویم
مکتب و پوهنتون شده بود سنگر و موضع
"وحدت" و "حرکت" و همان "حزب" و آن "نظار"
"جنبش گلم جم" و "اتحاد" آن "سیاف"
از حرص و آز و هی ز طغیان نفس خویش!
چون کرگس و کفتار به هم سخت بتاختند
"یانکی" و هم "انگلیس" و "پاکستان" نابکار
بردند نانجیب "جلاد" را به پای دار
تا "شیرک پنجشیر" رمید چون بز لغمان
"طالب" چه ستم هائی روا داشته برین خلق
باشد برای شعر دگر تا که شود خلق
